

چرایی فرقه‌بودن بهائیت

زاهد غفاری هشجین* / عباس کشاورز شکری** / حمید اکار***

چکیده

این مقاله، به بررسی چرایی فرقه‌بودن بهائیت می‌پردازد که با رویکرد تحلیل اسنادی تدوین یافته است. یافته‌های این مقاله حاصل بررسی این سوال اصلی است که چرایی فرقه‌بودن بهائیت چیست و چگونه ویژگی‌های یک فرقه قابل انطباق بر آن است؟ نتیجه پژوهش نشان می‌دهد که بهائیت از نظر علمای اسلام و مراجع تقلید، با توجه به انحراف از اصول و فروع مسلم اسلام، یک فرقه ضاله است. همچنین بهائیت به علت دارا بودن ویژگی‌هایی چون: ۱. رهبران با هوش و زیرک، مغلظه گر، مقدس مآب و مستبد؛ ۲. وجود تشکیلات منسجم بیت العدل که شبیه فراماسونری‌ها عمل می‌کنند و ۳. بهره برداری از تکنیک‌های تبلیغی روانشناختی چون کنترل ذهن جهت فریب افراد، برای جذب و نگه داری آنها، یک فرقه است. کلیدواژه‌ها: بهائیت، فرقه، اسلام، رهبران، تشکیلات.

z_ghafari@yahoo.com

abbaskeshavarz1@yahoo.com

hamidakkar@Yahoo.com

* استادیار علوم سیاسی دانشگاه شاهد

** استادیار علوم سیاسی دانشگاه شاهد

*** کارشناس ارشد جامعه‌شناسی انقلاب اسلامی

دریافت: ۱۳۹۰/۷/۲۱ - پذیرش: ۱۳۹۰/۱۱/۹

مقدمه

بهائیت، منشعب از بایبگری است. بایبگری نیز، انشعابی از فرقه شیخیه است که از اندیشه‌های شیخ احمد احسایی در قرن دوازدهم هجری پدید آمد.^۱ بنیان‌گذار بایبگری، سیدعلی محمد شیرازی، ملقب به باب است که در کربلا در کلاس درس سیدکاظم رشتی، شاگرد شیخ احمد احسایی، شرکت کرد و پس از مرگ استاد، خود را باب امام زمان عجل الله تعالی فرجه خواند و گروهی از افراد ساده‌لوح یا فرصت‌طلب با انگیزه‌های گوناگون به وی گرویدند. ادعاهای او به مهدویت، رسالت و سپس ربوبیت و الوهیت گسترش پیدا کرد که با درایت امیرکبیر، بساط بایبگری با اعدام وی خاتمه یافت.^۲

میرزا حسینعلی نوری، معروف به «بهاءالله» پس از غلبه بر برادر و رقیب خود، میرزا یحیی، معروف به «صبح ازل»، جانشین باب شد. به دنبال بروز شورش‌های بابیان، میرزا حسینعلی به عراق تبعید شد؛^۳ پس از قتل امیرکبیر، به ایران بازگشت؛ اما سوءقصد دو تن از بابیان به ناصرالدین شاه و نقش مشهود میرزا حسینعلی در این ترور، حکومت را مصمم به دستگیری او کرد. پناهنده شدن او به سفارت روس و حمایت شخص سفیر روس به انتقال وی به بغداد انجامید. در بغداد مورد حمایت دولت‌های انگلیس و فرانسه قرار گرفت و والی بغداد برای او مقرری تعیین کرد.^۴ در این زمان، برادرش، میرزا یحیی صبح ازل، با لباس مبدل، خود را به عراق رساند و به تدریج اجتماعی از بابیان در خاک عراق ایجاد شد که مهم‌ترین هدفشان، اذیت و آزار شیعیان بود.^۵

درگیری‌های دو برادر در بغداد که به قتل، غارت و خراب‌کاری‌ها دیگر انجامید، دولت عثمانی را به تبعید آنها به استانبول و سپس ادرنه مجبور کرد. در همین زمان، میرزا حسینعلی ادعا کرد «من یظهره الله»^۶ است. این ادعا باعث اختلاف شدید دو برادر و در نتیجه جدایی بابیان شد؛ اطرافیان میرزا یحیی «فرقه ازلیه» و پیروان میرزا حسینعلی «فرقه بهائیه» نامیده شدند. و آنهایی هم که به این دو برادر ملحق نشدند، بر نام پیشین (بابی) باقی ماندند.^۷ این جدایی و اختلاف شدید، میان دو برادر باعث شد که حکومت عثمانی، بهاءالله و پیروانش را به عکا در فلسطین و میرزا یحیی را به قبرس تبعید کند.^۸ از این زمان به بعد، میرزا حسینعلی از بابیت دست کشید و رسماً خود را پیامبر نامید و فرقه بهائیت را بنیان گذاشت که روسیه و سپس انگلیس از آن حمایت کردند. او پس از نه سال در شهر عکا درگذشت و قبرش، قبله پیروانش شد.^۹

پس از مرگ میرزا حسینعلی، میان دو پسرش بر سر جانشینی او، اختلافات و درگیری‌های زیادی رخ داد. سرانجام عباس افندی، معروف به عبدالبها، بر برادرش محمدعلی چیره شد و به مقام رهبری بهائیان رسید. به تجدید حیات بهائیت پرداخت.^{۱۰} وی در جنگ جهانی اول با خدمت به دولت انگلیس، به دریافت لقب «سر» و نشان «نایت هود»^{۱۱} از آن دولت مفتخر شد و پس از آن ابزار سیاست انگلیس و بعدها امریکا شد.^{۱۲} او در سال ۱۹۱۱ م به اروپا و امریکا سفر کرد و با تأثیرپذیری از اندیشه‌های مدرنیسم و اومانیسم قرن نوزدهم در غرب، تعالیم باب و بها را بر اساس آنها، تجدیدحیات کرد.^{۱۳}

پس از مرگ عبدالبها، طبق وصیتش، نوۀ دختری او، شوقی افندی که تربیت یافته انگلیسی‌ها بود، در سال ۱۳۰۰ ش به رهبری بهائیت رسید و خود را ولی امر الله نامید.^{۱۴} بهائیت در زمان شوقی، صاحب تشکیلات منسجمی همانند فراماسونری شد و به تبلیغ در جهان پرداخت؛ اما فساد اخلاقی شوقی باعث بروز اختلافات، انشعابات و رویگردانی عده‌ای از نزدیکان عبدالبهاء از بهائیت شد.^{۱۵} پس از شوقی، سران مهم فرقه، در کنفرانس لندن (۱۳۴۲ش)، نه نفر را به عنوان اعضای بیت‌العدل انتخاب، و مکان آن را به شهر حیفا اسرائیل منتقل کردند.^{۱۶}

بهائیت از زمان میرزا حسینعلی بهاء - که ادعای پیامبری کرد - نخست به وسیله امپراتوری روسیه و در زمان عباس افندی (عبدالبهاء) توسط انگلیس، امریکا و رژیم صهیونیستی به رسمیت شناخته شد و با حمایت آنان به تبلیغ در جهان ادامه داد. با مطالعه سیر تحولات بهائیت و سرکردگان آن از هنگام ظهورش تاکنون، ویژگی‌های فرقه در آن آشکار است؛ از این‌رو، این تحقیق در پی جواب دادن به این پرسش‌هاست که چرا بهائیت یک فرقه است؟ آیا ویژگی‌های یک فرقه، قابل انطباق به بهائیت است؟ چرا علمای اسلام و مراجع تقلید، بهائیت را یک فرقه گمراه می‌دانند؟

این تحقیق از انواع تحقیقات کیفی بوده و روش انجام آن، جست‌وجوی اسنادی و کتابخانه‌ای است که با بررسی کتب، آثار و متون تاریخی و مذهبی انجام شده است. شیوۀ گردآوری داده‌ها، مطالعه و بررسی منابع ذکر شده و سپس فیش‌برداری و استفاده از آنها بوده است. با توجه به اینکه در برخی موارد دسترسی مستقیم به اسناد و مدارک مرتبط با موضوع، امکان‌پذیر نبوده است، کوشیده‌ایم در این‌گونه موارد به سایت‌های اینترنتی مرتبط مراجعه شود.

۱. کلیات و مبانی نظری فرقه

الف. مفهوم و تعریف فرقه

فرقه،^{۱۷} در لغت به معنای «دسته، طایفه، مسلک، حزب، بخش، بریدن، قسمت کردن و گروهی از مردم» است^{۱۸} و «گروه یا جماعتی که اهداف، نظام اعتقادی یا ویژگی‌های یکسان و مشترک داشته باشند؛ مانند فرقه‌های تصوف»^{۱۹}.

در اصطلاح علم کلام نیز، به عده‌ای از مردم گفته می‌شود که به دلیل اختلاف در مسائل اعتقادی، از پیروان یک دین جدا شده و عقاید و تبیین‌های خاصی از آن دین را انتخاب کنند.^{۲۰} فرقه در فرهنگ علوم سیاسی، چنین تعریف شده است: «بخشی از جامعه که از مذهب رسمی جدا شده یا به آیینی گرویده باشد که به وسیله همگان به رسمیت شناخته نشده است. با نگاهی سهل‌انگارانه، به هر نوع جنبش جدایی‌طلب (ملی، زبانی، مذهبی، سیاسی و غیره) به کار می‌رود»^{۲۱}.

ابراهیم خدابخش در سایت دیده‌بان فرقه آورده است: «مارگارت تالر سینگر، فرقه را با سه ویژگی اصلی؛ الف. داشتن رهبر مستبد و خودکامه؛ ب. ساختار هرمی قدرت؛ ج. استفاده از برنامه‌ی مجاب‌سازی (بازسازی فکر یا شست‌وشوی مغزی)، وصف می‌کند. این در حالی است که داشتن یک یا دو ویژگی از این ویژگی‌ها، برای شناسایی جمعی به عنوان فرقه، کفایت نمی‌کند»^{۲۲}.

در جمع‌بندی می‌توان گفت فرقه‌ها با سه ویژگی بیان‌شده از طرف سینگر بیان می‌شوند؛ به شرطی که این سه ویژگی با شدت و استمرار در جمعی وجود داشته باشد. همچنین از بین این سه ویژگی، داشتن برنامه‌ی کنترل ذهنی که به عنوان تعریف مدرن از فرقه به کار می‌رود، شاخص‌ترین و اصلی‌ترین ویژگی فرقه‌ها می‌تواند مورد تأکید قرار گیرد.

ب. انواع فرقه

با گسترش دیدگاه‌ها، می‌توان دسته‌بندی‌های متنوعی را برای فرقه‌ها ذکر کرد. این دسته‌بندی‌ها می‌توانند براساس چگونگی شکل‌گیری، نوع فعالیت، هدف فرقه و... انجام شوند. حتی ممکن است از نظر زمانی به فرقه‌های قدیمی و فرقه‌های نوظهور معتقد بود و یا به تفکیک فرقه‌های مذهبی از فرقه‌های سیاسی پرداخت. صاحب‌نظران، دسته‌بندی‌های دیگری را هم در این‌باره ذکر کرده‌اند که در ادامه به چند نمونه آن اشاره می‌شود.

محمدجواد مشکور معتقد است فرقه‌های اسلامی را می‌توان در دو گروه جای داد؛ گروه اول، فرقه‌هایی که در پاره‌ای مسائل اعتقادی و یا تبیین آن مسائل با مسلمانان دیگر اختلاف دارند و گاهی در احکام فرعی نیز، برخلاف مسلمانان دیگر عمل می‌کنند؛ ولی در اصول، همچنان با آنها هم‌عقیده‌اند و به فروعی چون نماز و روزه عمل می‌کنند؛ مانند فرقه‌های اهل حدیث، معتزله، اشاعره، زیدیه و امثال آنها. گروه دوم، فرقه‌هایی که منشأ آنها دین اسلام است، ولی به دلیل افراط و تفریط‌های رهبران و پیروانشان، آن‌چنان از دین اسلام دور افتاده‌اند که هیچ‌گونه وجه اشتراکی با مسلمانان ندارند و نه تنها در مسائل فرعی، بلکه در مسائل اصلی نیز، معارف اسلامی را تحریف، و در نهایت آنها را انکار کرده‌اند. فرقه‌های معروف به غالی که رهبران خود را به مقام ربوبیت رسانده و به جای معاد به تناسخ معتقدند و در انجام فروع دین دچار اباحی‌گری شده‌اند، همچون اسحاقیه، حروفیه، حلمانیه و... از این دسته‌اند.^{۲۳}

گفتنی است که دسته‌بندی‌های متنوعی از فرقه‌ها بیان می‌شود، ولی باید توجه داشت که برخی از دسته‌بندی‌ها و انواع فرقه، برحسب اقتضای جوامع، اختصاصی آن جامعه بوده و کمتر قابل تعمیم است.

ج. ویژگی‌های فرقه

در جهان معاصر، ظهور و گسترش فرقه‌ها، یکی از مسائل عمده جوامع صنعتی غرب است. نکته مهم درباره شناخت فرقه‌های معاصر، توجه به ماهیت و چگونگی عملکرد آنهاست. تعریف مدرن از فرقه، به هر گروهی اشاره دارد که از عملکرد روان‌شناختی تکنیک کنترل ذهن برای عضوگیری و کنترل اعضایش استفاده می‌کند. کنترل ذهن، مجموعه‌ای از تکنیک‌های روانی است که رهبران فرقه، به صورت غیرمحسوس بر اعضا اعمال می‌کنند.^{۲۴}

تکنیک‌های کنترل ذهن، عبارتند از:

۱. فریب: آراستن ظاهر فرقه و پنهان نگه‌داشتن عملکردها و اعتقادات واقعی، جهت جذب افراد؛
۲. ویژه‌سازی: القای رهبران فرقه به اعضا که تنها در تشکیلات آنها و با اطاعت از دستورات آنها نجات می‌یابند؛
۳. ترس و ارباب: ترس همیشگی اعضا از رهبر فرقه و تشکیلات؛ زیرا رهبر، مدعی اتوریته مستقیم از جانب خدا، برای کنترل تقریباً تمام شئون زندگی فرقه است و افراد حق اعتراض و پرسش ندارند؛

۴. بمبماران عشق و کنترل روابط: برای عضو جدید، دوستان فوری انتخاب می‌کنند و به تدریج به او می‌فهمانند که مخالفت با آنها یا فرقه، سبب از دست دادن تمام دوستان تازه‌اش می‌شود. همچنین در قطع ارتباط اعضا با دوستان قدیم و خانواده، جهت قطع نفوذ دیگران بر او می‌کوشند؛

۵. کنترل اطلاعات: تلقین به فرد که هر اطلاعاتی خارج از فرقه، شیطانی و غیرحقیقی است و فقط اطلاعات فرقه حقیقت دارد؛

۶. ساختار گزارش‌دهی: مراقبت اعضا از یکدیگر و گزارش به مقامات بالا که به پنهان کردن عقاید و احساسات واقعی افراد می‌انجامد؛

۷. کنترل زمان: مشغول نگه‌داشتن اعضا با ملاقات‌ها، فعالیت‌ها و مأموریت‌های طولانی به منظور جلوگیری از تفکر و اندیشه درباره مسائل فرقه.^{۲۵}

خسرو تهرانی در بررسی سازمان مجاهدین خلق، معتقد است که این سازمان به تدریج به یک فرقه تبدیل شده است. از نظر وی، ویژگی‌های فرقه شدن سازمان مجاهدین، فردگرایی محض، ویژگی‌های ممتاز رهبری مسعود رجوی، فاصله بسیار زیاد رهبری از دیگر اعضا، تقدس و دست‌نیافتنی بودن رهبر، از دست رفتن وجهه دموکراتیکی رهبریت و نهایتاً توسل رهبر به مقدسات برای توجیه اعمال و اشتباهات خویش است.^{۲۶}

د. نظراتی پیرامون فرقه

به نظر ماکس وبر، فرقه‌ها معمولاً در میان افراد محروم و کسانی که در حاشیه اجتماع قرار دارند، رشد می‌کنند. وی اصطلاح «الهیات خاص محرومان» را درباره آنها به کار می‌برد. فرقه‌ها به تبیین و توجیه وضع حاشیه‌ای خود و اعضای محروم خویش می‌پردازند. مهم‌تر این است که به اعضا - به تناسب وضع حاشیه آنها یا فقری که به آن دچارند - امکانات داده می‌شود.^{۲۷}

فرقه‌ها یا عمری کوتاه دارند یا تبدیل به «نحله» می‌شوند. این بدان جهت است که سطوح اعتقادی و شور و اشتیاق لازم برای حفظ آنها نمی‌تواند تا مدت طولانی پایدار بماند و اگر از عزلت اجتماعی و حاشیه‌ای بودن آنها به هر دلیل کاسته شود، چه بسا باورهای آنها فرو ریزد و اعضا جذب جامعه شوند. این، هنگامی پیش می‌آید که ارزش‌های موعظه‌شده به وسیله فرقه، باعث ثروتمند شدن اعضا شود و بدین وسیله به حاشیه‌ای بودن آنها در جامعه پایان دهد.^{۲۸}

امروزه فرقه‌گرایی و اندیشه‌های خرافی رواج یافته و بیشتر آنها، منشأ غربی دارند. زمینه‌های مذهبی باعث شده تا فعالیت کیفی و کمی این فرقه‌ها، مثل رام‌الله، اعتکاف، شیطان‌پرستی، فالون دافا، اکنکار و عرفان‌های دروغین، گسترش یافته و در سال‌های اخیر، بسیاری از جوانان مجذوب آنها شوند. صالح سبحانی از اعضای ارشد فرقه رام‌الله، پس از آگاهی و جدایی از آن فرقه گفته است:

فرقه‌ها از نگاه بیرونی، مجمع‌الجزایری از صحبت‌های خوب، زیبا و عامه‌پسند هستند و حتی مباحثی که مطرح می‌کنند، ممکن است در قالب اصول معنوی هم قابل دفاع باشد؛ اما آنچه در بررسی فرق از دید پنهان می‌ماند، نه عقاید آنان، بلکه روابط و عملکرد تشکیلاتی آنان است که عموماً و بلااستثنا، بر پایهٔ مرید و مرادی است. اغلب فرق، فعالیت‌هایشان را با ظاهری زیبا و جذاب، حتی در پوشش مؤسسات رسمی و قانونی و دارای مجوز در جامعه ارائه می‌دهند؛ اما با ورود به مراکز فعالیتی و بررسی روند کارها و برنامه‌هایشان، می‌توان به ماهیت فرقه‌ای آنان پی برد. آنها دارای رفتارهای دوگانه هستند. در ظاهر به مسائلی تظاهر کرده و در باطن به چیز دیگری عمل می‌نمایند.^{۲۹}

در اغلب فرقه‌ها، افرادی به صورت خودانتصابی در رأس قرار می‌گیرند. سرکردگان فرقه‌ها مدعی‌اند، علم ویژه‌ای دارند که دیگران از آن محروم‌اند. این افراد، خودمحور و قدرت‌طلب‌اند و خیلی به قدرت‌نمایی و تسلط بر امورات مریدانشان تمایل دارند. اغلب سرکردگان به وسیلهٔ بعضی مریدان مسخ‌شده و فریب‌خورده و هم‌دستانشان، شخصیتی خاص و منحصربه‌فرد در بین اعضای فرقه و بیرون از فرقه وصف می‌شوند. آنها برای خاص جلوه دادن خودشان و جذب افراد، ظواهر خاصی برای خویش درست می‌کنند یا به گونه‌ای خاص سخن گفته و ژست‌های خاصی می‌گیرند تا به این وسیله خود را از دیگران متمایز جلوه دهند.^{۳۰}

نمونهٔ بارز چنین رهبری‌هایی، فرقهٔ فالون دافا در چین است که پس از ادعای پیامبری، مدعی خدایی شد و در سال ۱۹۹۹ م به آمریکا پناهنده شد و با حمایت این کشور به هدایت پیروانش که به ادعای خویش، بیش از ۱۰۰ میلیون نفرند، در بیشتر از شصت کشور دنیا - از جمله ایران - پرداخت. زمینهٔ ظهور فرقهٔ فالون دافا در چین، کاهش شاخص‌های رفاه اجتماعی در کنار خلأ معنوی و غریزهٔ فطری نیاز به معنویت در جامعه‌ای با بیش از چهار دهه سابقه در ترویج باورهای کمونیستی است که بستری مناسب برای پذیرفته‌شدن فرقه‌هایی نوظهور مانند فالون دافا را فراهم کرده است تا رهبران آنها با ابداع مذهبی

جدید، مدعی نجات مردم از تنگناهای اجتماعی و پاسخ‌گویی نیاز طبیعی آنها به توسل و کمک‌خواهی از نیروهای ماورایی باشند.^{۳۱}

۲. ویژگی‌های بهائیت به مثابه یک فرقه

با توجه به تعریف‌ها ذکر شده از فرقه و سنجه‌های حقانیت آن، بهائیت از فرقه‌های گروه دوم، یعنی باطل، انحرافی و گمراه‌کننده است؛ چراکه رهبران و پیروان اولیه آنان، نخست مسلمان بودند و در سرزمین‌های اسلامی زندگی می‌کردند و این فرقه، خاستگاه اسلامی دارد. فرقه بهائیت، پس از جدایی از اسلام، اصول و فروع مورد اتفاق مسلمانان را انکار کرده و با ادعاهای کذب خود (امامت، نبوت و خدایی) از زمره مسلمانان خارج شدند و درصدد ایجاد اختلاف، تفرقه‌افکنی و تحقق مقاصد شوم بیگانگان در سرزمین‌های اسلامی برآمدند. بر این اساس مسلمانان، بهایی‌ها را جزء فرقه‌های اسلامی نمی‌شمرند؛ زیرا آیین بهائیت، یک آیین ساختگی است و فقط به دلیل خاستگاه و سابقه تاریخی بنیان‌گذارانش با اسلام ارتباط پیدا می‌کند؛ ولی به دلیل ماهیتش، چیزی جز یک آیین دست‌ساز بشری، همچون صدها و هزاران مکتب و مسلکی که در طول تاریخ به وجود آمده‌اند، نیست و چون طرف‌داران آن، یکتاپرست نیستند، در ردیف مشرکان قرار می‌گیرند و از طرف علمای اسلام (تسنن و تشیع) فرقه ضاله و گمراه شناخته و تکفیر شده‌اند. برای آشکارشدن حقانیت نداشتن این فرقه در اسلام، به چند نمونه از این تضادها و تناقضات به اجمال اشاره می‌شود:

انکار توحید

در آیین بهائیت، نه تنها به توحید، اشاره و تأکید نشده، بلکه با ادعاهای الوهیت رهبران و بنیان‌گذاران این فرقه، به شرک گرفتار شده است؛ برای نمونه، سیدعلی محمد در لوح هیکل‌الدین، صفحه ۵ گفته است: «ان علی قبل نبیل ذات الله و کینونته» یعنی علی قبل نبیل (که به حساب ابجد، نبیل ۹۲ است و محمد هم ۹۲) ذات خدا و کنه اوست.^{۳۲} میرزا حسینعلی بها نیز، به صراحت در کتاب *اقدس* ادعا می‌کند: «گوش فرا دهیدای جماعت بهائیان که خدای شما از زندان بزرگ، پیام می‌دهد که نیست خدایی جز من توانا و متکبر و خودپسند.»^{۳۳}

نبوت جدید

بهاییان در جهت زمینه‌سازی برای پذیرش نبوت میرزا حسینعلی بهاء می‌کوشید که علی‌محمد باب را از جمله پیامبران خداوند شمرند که به اراده خداوند متعال، پس از رسول اکرم ﷺ مبعوث شد و اهل عالم را به دینی جدید دعوت کرد. بهاییان مدعی‌اند که باب، دو مقام داشت: اول، پیامبری مستقل و صاحب کتاب؛ دوم، بشارت‌دهنده به ظهور پیامبری دیگر، به نام میرزا حسینعلی. بدین‌گونه با ظهور باب و بهاء، شریعت اسلام الغاء شد، و شریعتی مستقل و آیینی جدید به نام بهائیت پدید آمده است.^{۳۴} ادعاهای متناقض علی‌محمد باب و میرزا حسینعلی بهاء (بابیت، مهدویت، نبوت، الوهیت و من یظهره الهی)، تناقضات و تعارضات درونی آموزه‌ها، ناسازگای با منطق و عقلانیت، وجود اشتباهات متعدد در کتاب‌ها، الواح و نامه‌ها، نداشتن معجزه‌ای پذیرفتنی برای اثبات پیامبری، ناتوانی در پاسخ‌گویی به علما در مناظرات و سرانجام تکذیب پی‌درپی ادعاها و نوشتن توبه‌نامه به وسیله باب، همگی دلیلی آشکار بر بطلان چنین ادعایی است؛ چراکه با منطق و سیره پیامبران و اصول ادیان الهی، در ناسازگاری کامل است.^{۳۵}

انکار قیامت

قیامت که یکی از اصول مسلم ادیان توحیدی است، از نگاه علی‌محمد باب و میرزا حسینعلی بهاء، موهوم و دروغ پنداشته شده است.^{۳۶} بهاییان با تفسیری متفاوت از قیامت، معتقدند با ظهور میرزا حسینعلی بهاء، قیامت بر پا شده است. این ادعا و این تفسیر، آنقدر سست و بی‌بنیاد و بدون پشتوانه دینی و منطقی است که با اندک توجهی، بطلان آن آشکار می‌شود.^{۳۷}

با توجه به ویژگی‌هایی که برای یک فرقه ذکر شد و تعریف نسبتاً جامع و مانع مارگارت تالر سینگر از فرقه، در ادامه به ویژگی‌های بهائیت در سه زمینه داشتن رهبر مستبد و خودکامه، ساختار هرمی قدرت و استفاده از برنامه مجاب‌سازی (کنترل ذهن) پرداخته می‌شود تا مشخص شود که این ویژگی‌ها، بر بهائیت منطبق است یا خیر.

الف. دارا بودن رهبر مستبد و خودکامه

رهبران اولیه بهائیت، افرادی باهوش و زیرک بودند که با سوء استفاده از جهل مردم عامی و اُمی، ادعاهای کذب خود (بابیت، مهدویت، نبوت، ربوبیت و الوهیت) را کاملاً موجه و

مقدس جلوه داده و با فاصله گرفتن از پیروان، تقدیس و دست‌نیافتنی بودن خویش را با گرفتن تصمیمات غیردموکراتیک، توجیه‌پذیر کرده‌اند.

ویژگی رجال و رهبران آسمانی، ارتباط با جهان غیب و آگاهی از اخبار و اسرار پنهان هستی است و در بینش دینی تا آنجا اهمیت دارد که عملاً یکی از علایم صدق گفتار و نشانه‌های حقانیت آیین و مرام کسانی تلقی می‌شود که ادعا می‌کنند با خدا از راه وحی ارتباط دارند. رهبران بهائیت نیز که ادعای دریافت وحی از آسمان و تأسیس دیانتی الهی را دارند، مدعی‌اند از اخبار و اسرار پنهان هستی آگاهند و توانایی پیشگویی حوادث آینده تاریخ بشر را دارند. آنها در جابه‌جایی آثار و الواح خویش، به دیگران وعده‌های زیادی دایر بر گسترش آیین خود در جهان داده‌اند که امروزه پس از گذشت مدت زمانی طولانی از طرح آن وعده‌ها، به خوبی می‌توان دربارهٔ صحت و سقم آنها داوری کرد. نمونه‌هایی از این وعده‌ها و پیشگویی‌ها چنین است: سیدعلی محمد باب مدعی بود: ۱. به زودی علمای بزرگ اسلام، به بابت افتخار می‌کنند؛ ۲. به زودی جمیع اروپایی‌ها به باب ایمان می‌آورند.

حسینعلی بهاء نیز، می‌گفت:

۱. به زودی همهٔ ملت‌های جهان، زیر پرچم بهائیت جمع می‌شوند؛

۲. به زودی علمای شیعه از بهائیت استقبال می‌کنند؛

۳. به زودی بابت بر جهان مسلط می‌شود.

عباس افندی (عبدالبهاء) همچنین می‌گفت:

۱. به زودی بهائیت جهان را تسخیر می‌کند؛

۲. ایران به زودی مهد نفوذ بهائیت خواهد شد؛

۳. زادگاه بهاء (نور مازندران) به زودی قبلهٔ آفاق می‌شود؛

۴. صلح عمومی در قرن بیستم استقرار خواهد یافت؛

۵. آمریکا در جنگ جهانی اول شرکت نمی‌کند؛

۶. آمریکا در امور معنوی، گوی سبقت از جهانیان خواهد ربود؛

۷. امپراتوری تزاری، شکست‌ناپذیر است.^{۳۸}

مردم ایران در دورهٔ قاجار که دو شکست خفت‌بار از روسیه، آنها را منزوی و سرخورده کرده بود و با توجه به اندیشه‌های ظهور امام عدل‌گستر، در آرزوی برقراری قسط و عدل

بودند، ظهور یک مدعی مانند سیدعلی محمد، موضوع خاص بودن و قداست را در اذهان مردم ایران تداعی می‌کرد.^{۳۹} بیان این ادعا در چنین برهه حساسی، علاوه بر ویژگی زیرکی سیدعلی محمد، گویای تقدس وی نزد مردم آن روزگار است.

قداست بخشیدن به رهبران بایه و بهائیت، از شگردهای دیگر آنها برای پذیرفته شدن نزد مردم بود. بایان و بهائیان، شب جمعه، پنجم جمادی الاولی سال ۱۲۶۰ قمری را که باب، ادعای خویش را آشکار کرد، شب مبعث نقطه اولی^{۴۰} و آن را مبدأ تاریخ خود (تاریخ بدیع) قرار داده‌اند. شرافت و قداست دیگر آن شب، این است که میرزا عباس (عبدالبهاء) نیز در آن شب متولد شده است.^{۴۱}

لقب تراشی‌ها و عناوین مقدس مآبانه که رهبران اولیه این فرقه برای خود یا رهبر پیشین ابداع کرده‌اند - تا خویش را منحصر به فرد جلوه دهند - در همین راستا تبیین می‌شود. در کتاب *مطالع الانوار* (تاریخ رسمی بهائیت) سیدعلی محمد باب با این القاب یادشده و مورد ستایش قرار گرفته است: باب الله، نقطه اولی، نقطه بیان، طلعت اعلی، حضرت اعلی، ذکر الله الاعظم، حضرت ذکر، حضرت موعود مهدی، حضرت قائم، محبوب عالمیان و حضرت ربّ اعلی.^{۴۲} در همان کتاب، از حسینعلی بهاء نیز با القاب زیر یاد شده است: حضرت بهاء الله، حسین موعود، جمال حسینی، حضرت محبوب، جمال مبارکه، حضرت مقصود، من یظهره الله و جمال اقدس الهی.^{۴۳}

عباس افندی (عبدالبهاء) ضمن تأیید لقب‌های «رب الجنود و مسیح موعود» برای باب و بهاء، به عنوان پیامبران پیشین، خود نیز در کتب بهائیان به چنین القابی مشهور شده است: «غصن الله الاعظم، مولی الوری، مرکز میثاق، سرالله الاعظم و ابن الله.»^{۴۴} شوقی افندی نیز در نوشته‌های خود از زبان بهاء و عبدالبهاء، سیدعلی محمد را القاب باران می‌کند و خود نیز با همین ادبیات از آنها سخن گفته و مثلاً بهاء را «جمال قدم جل اسمه الاعظم» و عباس افندی را «حضرت عبدالبهاء روح الوجود لعنایاته الفداء» می‌خواند.

منحصر به فرد جلوه دادن و برخوردار کردن رهبران از علم لدنی، شیوه دیگر آنها در ارتقای رهبریت فرقه است. هم علی محمد باب و هم میرزا حسینعلی بهاء، خود را اُمّی و درس‌نخوانده و صاحب معجزه و کرامت در خوش‌نویسی و تندنویسی می‌دانستند.^{۴۵}

هوش و ذکاوت آنها نیز، از این ماجرا نمایان می‌شود که میرزا حسینعلی بهاء برای زمینه‌سازی ادعای جدید خویش، کوشید تا آنچه از آثار و مکتوبات باب در دسترس بایان

بود را جمع‌آوری کند^{۴۶} و با این شیوه توانست کلیه اسنادی را که روزی ممکن بود علیه وی به کار رود، به چنگ آورد. آن‌گاه با مراجعه به آثار باب، کوشید تا به سبک او، آیه‌نویسی کند.

اختلافات و درگیری‌های طولانی میان رهبران فرقه، جهت دستیابی به قدرت مطلق، ریاکاری و تظاهر، دغل‌کاری و فریب‌کاری از ویژگی‌های رهبران اولیه بهائیت است. نمونه‌های آن در کتاب‌های مبلغان بزرگ بهائیت که آگاه شده و مسلمان شدند، گویای این مطلب است.

گفتنی است که سران اولیه بهائیت، خودانتصابی بوده‌اند؛ اما در حال حاضر با انتخابات، برگزیده می‌شوند. این شیوه به دو علت صورت می‌گیرد: اول آنکه سومین رهبر بهائیت (شوقی افندی) فرزندی نداشت که جانشین وی شود و به نوعی بهائیت با بحران مشروعیت روبه‌رو شده بود؛ دوم آنکه این انتخابات برای رهایی از اتهام انتصابی بودن و غیردموکراتیک بودن بهائیت، با قصد انحراف و فریب افکار عمومی — به ویژه اعضای اغفال‌شده آن — صورت می‌گیرد.^{۴۷}

ب. ساختار هرمی قدرت

از ابتدای ظهور بهائیت، اعمال قدرت رهبران بر اعضا به شکل‌های گوناگون وجود داشت؛ اما از دوره شوقی افندی (سومین رهبر بهائیت)، نظام و تشکیلاتی منسجم باعث دوام و گسترش بهائیت شد. شوقی با بهره‌گیری از تعالیم میرزا حسینعلی بهاء مبنی بر تشکیل بیت‌العدل الاعظم، برای وضع قوانین و امور جاری بهائیان^{۴۸} به تقلید از اروپایی‌ها به بهائیت صورت تشکیلات حزبی داد و محافل منتخب محلی و ملی را در شهر حیفای اسرائیل پدید آورد و در برخی کشورها، آنها را به عنوان محافل مذهبی یا حتی شرکت‌های تجاری ثبت کرد تا به صورت قانونی به تبلیغ بهائیت اقدام کند.^{۴۹}

بیت‌العدل، مسئول امور روحانی و اداری جامعه بین‌المللی بهایی است و تشریح در امور غیر عبادی را انجام می‌دهد. هر پنج سال یک‌بار، نه نفر به وسیله همه اعضای محافل ملی بهائیان جهان انتخاب می‌شوند و بالاترین مرجع تصمیم‌گیری بیت‌العدل، دارالتبلیغ بین‌المللی است و واحدهای دیگر، زیر نظر دارالتبلیغ انجام وظیفه می‌کنند. هر کشور، یک محفل ملی و هر استان، یک محفل استانی و در ادامه، محفل شهرستان، محفل بخش و محفل ده قرار می‌گیرد و هریک از این محفل‌ها، چهل لجنه (گروه) دارند.^{۵۰}

وجود چنین تشکیلات منسجم سلسله‌مراتبی و منظم، تمام اطلاعات را از پایین به رأس رسانده و تصمیمات رهبران را سریع و صریح به دورترین نقاط عالم - حتی در یک روستا - منتقل خواهد کرد. پیروی از دستورات محفل ملی، بر بهائیان آن کشور واجب است و تخلف از آن، محرومیت‌های گسترده‌ای را در پی دارد و متخلفان به اشد وجه، مجازات می‌شوند.^{۵۱}

ساختار قدرت به طور جدی و در کلیه لایه‌های تشکیلات بهائیت به خوبی ملاحظه می‌شود؛ به طوری که هیچ‌یک از اعضا، حق ندارد از آنچه درون تشکیلات می‌گذرد، بپرسد. به گفته عباس افندی (عبدالبهائا)، لِم و بِم،^{۵۲} هیچ جایی در بهائیت ندارد. بدین منظور تمام اعضا درگیر کارهای تشکیلاتی می‌شوند و تمام وقت آنها در کلاس‌های آموزشی، مأموریت‌ها، ضیافت‌های نوزده روزه و غیره پر می‌شود.^{۵۳} در این صورت قدرت اندیشیدن درباره اعمال و اهداف تشکیلات و مسائل بهائیت، از آنها گرفته می‌شود.

در صورتی که عضوی، شهادت پرسش کردن داشته باشد، با اقداماتی گشتاپوگونه به وسیله مؤسسه معارف و لجنه صیانت (مانند حفاظت اطلاعات) روبه‌رو می‌شود. این سیستم اطلاعاتی، روابط و اعضای جدید و قدیم را به طور دقیق کنترل می‌کند.^{۵۴}

در صورتی که عضوی مخالفت ورزد، مجازات می‌شود؛ به طوری که ادامه زندگی برایش ممکن نیست. این مجازات، دو مرحله دارد: یکی طرد اداری و دیگری، طرد روحانی. در طرد اداری، فرد خاطی از تشکیلات بهائیت و فعالیت‌های آن کنار گذاشته می‌شود و در صورت نوع و شدت خطا، طرد روحانی می‌شود. در این حالت، فرد طردشده از جامعه بهائیت کنار گذاشته می‌شود و حتی نزدیک‌ترین افراد (مثل پدر، مادر و فرزند و همسر) وی، حق گفت‌وگو و ارتباط با او را ندارند.^{۵۵} نمونه آن، طرد روحانی یکی از بهائیان به نام صادق آشچی، به دستور شوقی افندی، به جرم سفر به اسرائیل، بدون اجازه و برنامه‌ریزی تشکیلات است.^{۵۶}

یکی از بهائیان مسلمان‌شده در مصاحبه‌ای که انجام داده، آورده است که عده‌ای از بهائیان، در دل مسلمان‌اند و هیچ اعتقادی به بهائیت ندارند؛ ولی جرئت ابراز آن را ندارند؛ زیرا از تشکیلات بهائیت و مجازات سنگین طرد روحانی وحشت دارند و می‌ترسند که از طرف افراد خانواده و فامیل خویش طرد شده و ادامه زندگی برایشان ناممکن شود.^{۵۷}

ج. استفاده از تکنیک کنترل ذهن

در تعریف فرقه، بیان شد که سینگر ویژگیِ دارا بودن تکنیک کنترل ذهن را شاخص‌ترین و مهم‌ترین ویژگی هر فرقه می‌داند. بهائیت از ابتدای تأسیس، به امر تبلیغات، اهمیت زیادی می‌داده است. از زمان شوقی افندی، این تبلیغات بر اساس اصول روان‌شناختی و با برنامه‌ریزی‌های دقیق تشکیلاتی (همچون نقشهٔ ده‌ساله) همراه بوده^۸ و امروزه نیز، با طراحی تبلیغاتی به اسم طرح روحی، انجام می‌شود.

طرح روحی یکی از بهائیان مهاجر ایرانی به نام روحی ارباب، چند سال پیش طراحی و پس از بررسی و اجرای آزمایشی در کلمبیا به تصویب بیت‌العدل رسید و برای اجرا در کل جهان، یک راهنمای عمل شد و به تمام محافل بهایی ابلاغ گردید. مهم‌ترین هدف آن، ایجاد بسترهای لازم برای افزایش آمار تعداد بهائیان است.^۹ حدود یکصد مؤسسه آموزشی، احداث شده و زمان‌بندی‌هایی تحت عنوان نقشه‌های پنج‌ساله و نقشه‌های چهارساله، طراحی شده است. شعار اصلی نقشهٔ پنج‌ساله، «دخول افواج مقبلین» نام دارد و برای کشورهای اسلامی - به ویژه خاورمیانه - استراتژی ویژه‌ای به نام استراتژی خاموش و پنهان، با زمان‌بندی بیشتری در نظر گرفته است.^{۱۰}

طرح روحی در ایران از شانزده سالگی آغاز می‌شود و جذب افراد به بهائیت با امور ظاهرالصلاحي همچون کارهای خیریه و عام‌المنفعه، نظیر عیادت از بیماران در بیمارستان‌ها، نظافت پارک‌های محل و معابر کوهستانی، مراجعه به آسایشگاه سالمندان و کمک به سالخورده‌گان و... انجام می‌شود. بهره‌برداری از دوستان دوران مدرسه، مهاجران فقیر افغانی، کمک مالی به خانواده‌های مستمند و ایجاد کلاس‌های آشپزی و هنری، رفت و آمد به کتابخانه‌ها و سمینارهایی که در فرهنگ‌سراها برگزار می‌شود، وسیله‌ای برای ایجاد ارتباط مخفی و سپس تبلیغ بهائیت است.^{۱۱}

به گفتهٔ یک بهایی مسلمان‌شده، «هدف اصلی تبلیغات بهائیت، جذب افرادی است که از اسلام آگاهی ندارند یا مورد تبلیغ سوء قرار گرفته‌اند؛ یا اینکه تدین نداشته و به مسائل مذهبی مقید نباشند. در کل، علاقه‌ای که هر کس به دین خود دارد را نداشته باشند. یک عده هم کسانی هستند که فکر می‌کنند اگر وارد این تشکیلات شوند، پول‌دار می‌شوند، یا خانم‌هایی که دلشان می‌خواهد حجاب نداشته باشند. آنها می‌گویند برای اینکه حرف‌های

ما را بشنوی، باید تعصب را کنار بزنی.»^{۶۲} به این ترتیب، فرد ذهن خود را از مطالب پیشین پاک می‌کند و حرف‌ها، اصول و اعتقادات بهائیت، به تدریج جایگزین آنها می‌شود.

بهائیت از دوره کودکی، در مهدکودک‌ها تا پایان عمر، برای هر فرد بهایی برنامه دارد. با تشکیل کلاس‌های عقیدتی، موسیقی، تفریحی، ضیافت‌های نوزده روزه، انجام دادن مأموریت‌های تبلیغی، مراسم دعا و بسیاری برنامه‌های دیگر، کنترل زمان صورت می‌گیرد و این مشغولیت‌ها موجب عدم تفکر فرد به مسائل شخصی خود، عقاید القاء شده به او و حتی اندیشیدن به دوستان و خانواده خویش می‌شود.^{۶۳}

فردی بهایی که پس از آگاه و تبری جستن از بهائیت و گرایش به اسلام، خاطرات خویش را بیان کرده، می‌گوید: «[زمانی که] معلم مهد کودک بهائیان شدم، برنامه‌هایی که به من می‌دادند تا به بچه‌ها بیاموزم، کاملاً در راستای شست‌وشوی مغزی آنها بود و من می‌دیدم که چگونه از سه سالگی، کودکان را به اسلام و مسلمانان بدبین می‌کردند و مغز کوچک آنها را با خرافات و اوهامی که ارمغان بهاء و عبدالبهاء بود، پر می‌کردند و چگونه با آوردن مثال‌ها و بیان داستان‌هایی، آنان را از خارج شدن از بهائیت می‌ترساندند و با [وجود] این ترس و وحشی که در دل کودکان از انتخاب راهی به جز راه بهاء می‌انداختند و با وحشی که آنان از طرد شدن و اخراج شدن از خانه و خانواده داشتند، شعار بی‌اساس تحری حقیقت را سر می‌دادند.»^{۶۴}

تشکیلات بهائیت برای عضو تازه‌وارد، دوستان جدید موردنظر خود را انتخاب می‌کند و می‌کوشد تمام روابط موازی فرد با دیگران قطع شود و یا به کمترین حد برسد. فرد جذب‌شده از آنچه در تشکیلات در جریان است، ناآگاه نگه داشته می‌شود. انسان ذاتاً خداجوست؛ از این‌رو، برای اعضا، بسیار دشوار است که مورد غضب واقع شوند؛ زیرا به آنها القا شده که ترک تشکیلات، مساوی با ترک خداست. سیستم تنبیه و مجازات (طرد اداری و روحانی)، حربه مناسبی برای کنترل اعضا، درون تشکیلات است و پنهان ماندن حقایق - به ویژه برای جوانان و نوجوانان - امری ضروری است؛ به طوری که با انتشار مجله *ایام* در ۶ شهریور ۱۳۸۶، تحت عنوان بهائیت آن‌گونه که هست، تشکیلات بهائیت اطلاعیه‌ای را برای عدم مطالعه آن صادر کرد که در ضیافت‌های همان ماه مطرح شد.^{۶۵}

تشکیلات بهائیت در پوشش فعالیت‌های اقتصادی و امور عام‌المنفعه، به تبلیغ و جذب افراد جدید اقدام می‌کند. یکی از کارمندان شرکت آب‌میوه رانی، پس از پی بردن به ماهیت

اصلی این شرکت، پس از استعفا کردن، دست به افشاگری زده است. مدیران بهایی این شرکت، با اموری چون دعوت به مراسم، بذل و بخشش‌های بی حساب، تأمین وسایل رفاهی و تجملی، حقوق بالای نامتعارف، پاداش‌های چندماهه، هدیه‌های گران‌بها به مناسبت‌های گوناگون، ترتیب دادن مسافرت‌های تفریحی و امثال آنها، کارمندان شرکت را جذب اخلاق و رفتار خود کرده و به تدریج اندیشه‌ها و اعتقادات بهائیت را تبلیغ می‌کردند. پس از جذب افرادی که قید و بند چندانی در دین نداشتند، از آنها برای توزیع جزوه‌های تبلیغی در نقاط گوناگون کشور استفاده می‌کردند.^{۶۶}

تبلیغ، جذب و نگه‌داری اعضا به وسیله تشکیلات بهائیت، در اولویت قرار دارد و برای گسترش امور تبلیغی، از هر نوع تکنیک و اصل روان‌شناسی استفاده می‌کند.

نتیجه‌گیری

بهائیت، آسمانی و الهی نبوده و بر اثر خواست نفسانی و شیطنانی عده‌ای شکل گرفته است؛ از این‌رو، عقاید و باورهای آنها نیز با اصول مشترک ادیان الهی (توحید، نبوت و معاد) در تضاد و تناقض است. این تناقضات به حدی در متون بهایی و مسائل عقیدتی زیاد است که رهبران این فرقه برای فرار از این تناقضات و اغلاط فراوان، مجبور شده‌اند در صدساله اخیر، چند بار منابع مذهبی فرقه خود را تغییر داده، تصحیح کرده یا آنها را دور از دسترس پیروان خویش قرار دهند؛ تا آنجا که دسترسی و مطالعه برخی از منابع اصلی بهائیت - حتی برای پیروان آن - ممنوع است.

با توجه به مفهوم و تعریف فرقه و ویژگی‌های آن - به ویژه سه ویژگی ذکر شده به وسیله سینگر - رهبران اولیه بهائیت؛ با هوش، زیرک، مغلظه‌گر، مقدس‌مآب، ریاکار و مستبد بودند و با این ویژگی‌ها و نیز به رغم حمایت بیگانگان، موفق شدند افراد ساده‌لوح را فریب داده و اهداف خود را پیش برند. پس از رهبران خودانتصابی اولیه بهائیت، رهبران بعدی به قصد فریب افکار عمومی، با انتخابات برگزیده می‌شوند؛ ولی همچنان عملکرد آنان با شیوه‌ای مدرن، همسو با رهبران اولیه است.

وجود تشکیلات منسجم بیت‌العدل الاعظم، سلطه رهبران بهائیت را بر اعضای خود، تا دورافتاده‌ترین روستاهای جهان ممکن ساخته است. وجود ساختار هرمی قدرت، انتقال سریع اطلاعات را از قاعده هرم به رأس آن و در نتیجه، تصمیم‌گیری رهبران و اعمال

قدرت مطلقه آنان را آسان کرده است و هیچ‌یک از اعضا، حق پرسش و چون‌وچرا ندارند و در صورت پرسش، با لجنه اطلاعاتی صیانت روبه‌رو می‌شود و اگر امتناع ورزد، با سیستم تنبیهی طرد اداری و طرد روحانی، مجازات خواهد شد.

بهره‌گیری تشکیلات بهائیت از تکنیک روانی کنترل ذهن، عضوگیری اعضای جدید را با فریب و کنترل آنها را به صورت غیر محسوس، ممکن ساخته است. اهمیت تبلیغات برای بهائیان، باعث طراحی و اجرای برنامه‌هایی چون طرح روحی، جهت افزایش تعداد آنها در جهان شده است. در این شیوه تبلیغی، ضمن پنهان نگه‌داشتن اهداف و افکار اصلی تشکیلات، با توسل به امور ظاهرالصلاح، به جذب افراد - به ویژه جوانان - پرداخته و با پاک کردن افکار پیشین، اعتقادات بهائیت را جایگزین آن می‌کنند و در انجام این مراحل، با بمباران محبت، نیت‌های خویش را عملی می‌سازند.

نتیجه نهایی اینکه علمای اسلام و مراجع عظام تقلید، به سبب انحراف بهائیت از اصول و فروع مسلم اسلام، آن را یک فرقه ضاله می‌دانند و ویژگی‌های یک فرقه، از جمله داشتن رهبران مستبد و خودکامه، ساختار هرمی قدرت و استفاده از تکنیک کنترل ذهن، بر بهائیت قابل انطباق است.

پی‌نوشت‌ها

۱. علی ربانی گلپایگانی، فرق و مذاهب کلامی، ص ۳۳۶-۳۴۶.
 ۲. محمدجواد مشکور، فرهنگ فرق اسلامی، ۸۸-۹۱.
 ۳. سعید زاهد زاهدانی، بهائیت در ایران، ص ۱۴۵-۱۴۶.
 ۴. رضا برنجکار، آشنایی با فرق و مذاهب اسلامی، ص ۷۳-۶۵.
 ۵. افندی شوقی، قرن بدیع «نوروز ۱۰۱ بدیع»، ترجمه نصرالله مودت، ج ۲، ص ۱۲۲.
 ۶. یعنی کسی که خدا او را آشکار می‌کند، عنوانی است که باب، بعد از ادعای شریعت جدید و تالیف کتاب بیان، برای موعود بیان انتخاب کرد و زمان ظهورش را دو هزار سال بعد وعده کرد.
 ۷. علی ربانی گلپایگانی، همان، ص ۳۴۳-۳۵۰.
 ۸. سعید زاهد زاهدانی، همان، ص ۱۹۶.
 ۹. همان، ص ۱۵۰.
 ۱۰. محمود صدری، «بهائیت»، دانشنامه جهان اسلام، ج ۴، ص ۷۳۳.
11. knight hood
۱۲. علی ربانی گلپایگانی، همان، ص ۳۴۷.
 ۱۳. همان، ص ۳۴۸.
 ۱۴. فضل الله مهتدی صبحی، خاطرات صبحی درباره بهائیکری، ص ۱۶-۱۰.
 ۱۵. اسماعیل رائین، اشعاب در بهائیت پس از مرگ شوقی ربانی، ص ۲۲۹-۲۳۳.
 ۱۶. همان.
17. sect
۱۸. محمد معین، فرهنگ فارسی، ص ۷۵۴.
 ۱۹. حسن انوری، فرهنگ بزرگ سخن، ص ۵۳۱۹.
 ۲۰. علی آقا نوری، خاستگاه تشیع و پیدایش فرقه‌های شیعی در عصر امامان، ص ۱۲.
 ۲۱. علی آقا بخشی، و مینو افشاری‌راد، فرهنگ علوم سیاسی، ص ۴۸۲.
22. <http://www.cultwatch.com>
۲۳. محمد جواد مشکور، همان، ص ۴۵، ۱۵۳، ۱۶۴.
 ۲۴. علیرضا محمدی، همان، ص ۱۷۴.
 ۲۵. «فرقه‌ها چگونه عمل می‌کنند»، ویژه‌نامه کثر راهه ضمیمه جام جم، اسفند ۱۳۸۶.
26. <http://www.shahrvandemroz.blogfa.com/post-609.aspx>
۲۷. استغن مور و سینکلر استغن پ، دیباچه ای بر جامعه شناسی، ترجمه مرتضی ثاقب‌فر، ص ۳۴۰.
 ۲۸. همان، ۳۴۱-۳۴۰.
 ۲۹. صالح سبحانی، «پله پله تا سیاهی»، سراب، ویژه‌نامه فرقه‌های منحرف نوپدید، ص ۳۹.
 ۳۰. همان، ص ۴۰.
 ۳۱. آناییتا احمدی، «خدایی که به آمریکا پناهنده شد»، سراب، ویژه‌نامه فرقه‌های منحرف نوپدید، ص ۵۶-۵۷.
 ۳۲. علیرضا محمدی، جریان شناسی بهائیت، ص ۱۹۳.

۳۳. حسینعلی نوری، اقدس، ص ۷۷.
۳۴. علیرضا محمدی، همان، ص ۱۹۶.
۳۵. محمدباقر نجفی، بهائیان، صفحات مختلف.
۳۶. خندق آبادی، جامعه جعفریه، ص ۳۶.
37. www.andisheqom.com
۳۸. مجتبی نیکوسف، «وعده‌های بی‌بنیاد، پیشگویی‌های معکوس»، تاریخ معاصر ایران، ش ۴۸-۴۷، ص ۵۴۸-۵۳۱.
۳۹. سعید زاهد زاهدانی، همان، ص ۵۳.
۴۰. از القاب باب است.
۴۱. جی.ای اسلمنت، بهاء‌الله و عصر جدید، ص ۵۸.
۴۲. عبدالحمید اشراق خاوری، مطالع الانوار (تلخیص تاریخ نبیل زرنندی)، ص ۸ و ۱۲ و ۲۰.
۴۳. همان ۱۰ و ۲۰.
۴۴. عبدالحمید اشراق خاوری، گنجینه حدود واحکام، ص ۴۲۱.
۴۵. سعید زاهد زاهدانی، همان، ص ۳۰۲-۲۹۵.
۴۶. شوقی افندی، قرن بدیع «نوروز ۱۰۱ بدیع»، ص ۱۴۶.
47. <http://www.gozashtehalayande.blogfa.com/post-99.aspx>
۴۸. حسینعلی نوری، همان، ص ۴۲.
۴۹. شوقی افندی، ص ۴۲-۴۱.
۵۰. اسماعیل رائین، همان، ص ۱۷۶.
۵۱. زاهد غفاری‌هشجین و آگار، «بهائیت و سیاست و مناسبات آن با دول خارجی». رهیافت انقلاب اسلامی، ش ۱۴، ص ۵۷-۵۴.
۵۲. چون و چرا.
۵۳. مهناز رئوفی، سایه شوم، ج ۳۲، ص ۷۹-۲۵.
۵۴. علیرضا محمدی، همان، ص ۱۷۷.
۵۵. علیرضا روزبهانی بروجردی، در جستجوی حقیقت (کاوشی در فرقه بهائیت)، ص ۸۷-۸۶.
۵۶. افندی شوقی، توقعات مبارکه (لوح قرن)، ص ۴۱.
۵۷. ویژه نامه ایام، ۱۳۸۶: ۵۹.
۵۸. لیلا چمن‌خواه، «سیاست‌های دولت پهلوی در قبال اقلیت بهائی ۱۳۵۷-۱۳۳۲»، پایان نامه دکترای دانشگاه تربیت مدرس، ص ۱۲۴.
۵۹. بهائیان بنا بر دستور بیت العدل موظف به افزایش آمار خود در جهان هستند. به عنوان مثال تا سال ۲۰۲۱ که یکصدمین سالگرد درگذشت عباس افندی (عبدالبهاء) است، ده درصد از جمعیت ایران، باید بهائی شوند.
۶۰. «ماهیت و اهداف طرح روحی»، روزنامه کیهان، ۱۳۸۵/۶/۲۲. ص ۸.
۶۱. همان
۶۲. علیرضا محمدی، همان، ص ۱۵۴-۱۵۳.

63. <http://www.gozashtehalayande.blogfa.com/post-99.aspx>

۶۴. «بهائیت؛ آنگونه که هست»، ویژه نامه ایام، ضمیمه جام جم، شهریور ۱۳۸۶، ص ۵۹.

۶۵. همان.

66. <http://www.gozashtehalayande.blogfa.com/post-99.aspx>

منابع

- احمدی، آناهیتا، «خدایی که به آمریکا پناهنده شد»، سراب، ویژه نامه فرقه‌های منحرف نوپدید، ضمیمه جام جم، مرداد ماه ۱۳۸۸، ص ۵۶-۵۷.
- اسلمنت، جی‌ای، *بهاء‌الله و عصر جدید*، حيفا، چاپ محفل روحانی بهائیان، ۱۹۳۲.
- اشراق خاوری، عبدالحمید، *گنجینه حدود و احکام*، چ سوم، تهران، موسسه ملی مطبوعات امری، ۱۳۲۷.
- اشراق خاوری، عبدالحمید، *مطالع الانوار (تلخیص تاریخ نبیل زرنندی)*، تهران، موسسه ملی مطبوعات امری، بی‌تا.
- افندی، شوقی، *توفیعات مبارکه (لوح قرن)*، بی‌جا، بی‌تا، بی‌تا.
- *قرن بدیع «نوروز ۱۰۱ بدیع»*، ترجمه نصرالله مودت، تهران، مؤسسه ملی مطبوعات امری، بی‌تا.
- انوری، حسن، *فرهنگ بزرگ سخن*، تهران، سخن، ۱۳۸۱.
- آقا بخشی، علی و مینو افشاری راد، *فرهنگ علوم سیاسی*، ویرایش ششم، تهران، چاپار، ۱۳۸۳.
- آقانوری، علی، *خاستگاه تشیع و پیدایش فرقه‌های شیعی در عصر امامان*، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۵.
- برنجکار، رضا، *آشنایی با فرق و مذاهب اسلامی*، قم، طه، ۱۳۷۹.
- تسخیری، محمدعلی، *تقارير عن المؤتمرات الدولیه، محورالاول مع مؤتمرات مجمع الفقه الاسلامی*، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۴ قمری [۲۰۰۳ میلادی]، ۱۳۸۲.
- چمن‌خواه، لیلا، «سیاست‌های دولت پهلوی در قبال اقلیت بهایی ۱۳۵۷-۱۳۳۲»، *پایان نامه دکترای دانشگاه تربیت مدرس*.
- خندق آبادی، *جامعه جعفریه*، تهران، کتابفروشی و چاپخانه پامنار، ۱۳۳۵.
- دانش، جابر، *جامعه شناسی دین*، تهران، دفتر نشر معارف، ۱۳۸۶.
- رائین، اسماعیل، *انتساب در بهائیت پس از مرگ شوقی ربانی*، تهران، موسسه رائین، ۱۳۵۷.
- ربانی گلپایگانی، علی، *فرق و مذاهب کلامی*، قم، مرکز جهانی علوم اسلامی، ۱۳۸۳.
- روز بهانی بروجردی، علیرضا، *در جستجوی حقیقت (کاوشی در فرقه بهائیت)*، چ دوم، قم، مرکز مدیریت حوزه علمیه قم، ۱۳۸۹.
- رثوفی، مهناز، *سایه شوم، [نیمه پنهان، جلد ۳۲]*، تهران، کیهان، ۱۳۸۸.
- زاهد زاهدانی، سعید، *بهائیت در ایران*، چ پنجم، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۹۰.
- سبحانی، صالح، «پله پله تا سیاهی»، سراب، ویژه نامه فرقه‌های منحرف نوپدید، ضمیمه جام جم، مرداد ۱۳۸۸، ص ۴۳-۴۰.
- شاکرین، حمیدرضا، «چرا اسلام؟»، *ماهنامه معارف*، ش ۵۱، آذرماه، ۱۳۸۶، ص ۶۷-۵۰.
- صدری، محمود، «بهائیت»، *دانشنامه جهان اسلام*، تهران، بنیاد دایرةالمعارف اسلامی، ص ۱۹-۱۶؛ ج ۴ ص ۷۳۳، ۱۳۷۵.

غفاری هاشجین، زاهد و آکار، حمید، «بهائیت و سیاست و مناسبات آن با دول خارجی». *رهیافت انقلاب اسلامی*، سال پنجم، ش ۱۴، بهار، ص ۶۸-۵۱.

گیندز، آنتونی، *جامعه شناسی*، ترجمه منوچهر صبوری، چ نهم، تهران، نی، ۱۳۸۲.

محمدی، علیرضا، ۱۳۸۹، *جریان شناسی بهائیت*، چ دوم، قم، دفتر نشر معارف، ۱۳۸۲.

مشکور، محمد جواد، *فرهنگ فرق اسلامی*، چ سوم، مشهد، آستان قدس رضوی، ۱۳۷۵.

معین، محمد، *فرهنگ فارسی*، تهران، امیر کبیر، ۱۳۶۲.

مور، استفن و سینکلر استفن پ، *دیباچه‌ای بر جامعه شناسی*، ترجمه مرتضی ثاقب‌فر، تهران، ققنوس، ۱۳۷۶.

مهتدی صبحی، فضل‌الله، *خاطرات صبحی درباره بهائیگری*، چ سوم، تبریز، چاپخانه علمیه، ۱۳۴۴.

نجفی، محمدباقر، *بهائیان*، تهران، مشعر، ۱۳۸۰.

نوری، حسینعلی، *اقدس*، بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا.

نیکوصفت، مجتبی، «وعده‌های بی‌بنیاد، پیشگویی‌های معکوس»، *تخصصی تاریخ معاصر ایران*، سال ۱۲ ش

۴۷-۴۸، پاییز و زمستان، ۱۳۸۷، ص ۵۶۹-۵۳۱.

همیلتون، ملکم، *جامعه‌شناسی دین*، ترجمه محسن ثلاثی، تهران، موسسه فرهنگی انتشاراتی تبیان، ۱۳۷۷.

«ماهیت و اهداف طرح روحی»، *روزنامه کیهان*، ۱۳۸۵/۶/۲۲، ص ۸.

«ویژه نامه ایام، بهائیت؛ آنگونه که هست»، *ضمیمه جام جم*، شهریور ۱۳۸۶.

«ویژه نامه کژ راهه، فرقه‌ها چگونه عمل می‌کنند»، *ضمیمه جام جم*، اسفند ۱۳۸۶.

www.andisheqom.com

<http://www.iran-aawa.com/index.php?option=com>

<http://www.iraninterlink.org/files/farsi%20pages%2026culturinformationcentre-html>

<http://www.bashgah.net/fa/content/show/34175>

<http://www.baharoom.com/15010.html>

<http://www.cultwatch.com>

<http://zaviyeh-enheraf.persianbloy.ir/page/forger>

<http://www.shahrvandemroz.blogfa.com/post-609.aspx>

<http://www.gozashtehalayande.blogfa.com/post-99.aspx>

<http://www.whatnextjournal.co.uk/pages/Newint/Tedothml>

<http://en.wikipedia.org/wiki/sectarianism>